



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن اختیار
به انسان است.
منصور حکمت

اطلاعیه خبری کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران جمهوری جنایتکار اسلامی دو نفر را در شهر مریوان اعدام کرد.

* امام جمعه مزدور مریوان مستقیماً یکی از مامورین اجرایی این جنایت است.

روزی که این جانبان به همراه دیگر مهره‌ها و عوام رژیم به جرم جنایت به سزای اعمال خود برسند. جمهوری اسلامی در سرآشویی سقوط قرار گرفته و برای ادامه عمر سراپا جنایت خود به اعدام روی آورده است. ما همه مردم مبارز را به گسترش مبارزه قاطع علیه جمهوری اسلامی و اعدام های وی فرا می خوانیم. اعتراضات متحد و یکپارچه مردم ضامن پایان دادن به جنایت و اعدام از طرف جمهوری اسلامی است.

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۵ آبان ۱۳۸۱
(۶ نوامبر ۲۰۰۲)

سحرگاه امروز چهارشنبه ۱۵ آبان مردم شهر مریوان اطلاع یافتند که مزدوران رژیم جمهوری اسلامی دو نفر را به نام های مصطفی پارسا مشهور به مصطفی جولا ۴۰ ساله و محمد صالح مرادی ۲۰ ساله هر دو اهل روستای ساوجی در مقر نیروی انتظامی شهر مریوان به دار آویخته شده اند. مزدوران رژیم اسلامی این اقدام جنایتکارانه خود را در حضور تعدادی از ملاهای مرتجع شهر و روستاهای مریوان انجام دادند. گردن یکی از قربانیان را امام جمعه مریوان و دیگری را ملا عثمان از بنیاد شهید به طناب آویزان کرده و مستقیماً از

مامورین اجرایی این جنایت هستند. دو نفر نامبرده مدت ۴ ماه است در زندان شهر مریوان بسر می برند و به جرم مبارزه با جمهوری اسلامی و مذهب اعدام شده اند.
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن این جنایات، با خانواده و بستگان قربانیان این جنایت ابراز همدردی می کند، و از مردم مبارز مریوان می‌خواهد به هر شکل ممکن به این جنایت رژیم اعتراض کنند و کاری کنند امام جمعه جنایتکار و ملای مرتجع مجری این جنایت نتوانند جرأت حضور در میان مردم را پیدا کنند. دور نیست

یازدهمین سالگرد
حزب کمونیست کارگری
را گرامی بداریم!

صفحه ۴

صالح سرداری:
با اعدام نمی توان
جلو مبارزه عظیم
ضد مذهبی را گرفت.

صفحه ۴

چند خبر
صفحه ۲

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۷۵۷۴

آدرس: K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm
پست گیر: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه
بوقت تهران

۴۱ متر برابر با
۲۴۹۰ کیلوهرتز

www.radio-international.org

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴ ۸ ۶۵۹۰۷۵۵

روزهای یکشنبه
نیم ساعت به
زبان کردی



تور سخنرانی رحمان حسین زاده و عبدالله دارابی در چهار شهر اروپا

صفحه ۲

محمد آسنگران:



مردم کردستان اینها را میشناسند

در حاشیه تقالی "انستیتوی کرد و فراکسیون
نمایندگان کرد" در مجلس شورای اسلامی

صفحه ۳



حسین مراد بیگی:

بساط اعدام را در هم شکنیم

جمهوری اسلامی در شش ماه گذشته حدود ۵۰۰ نفر را در نقاط مختلف ایران حلق آویز کرده است و عمل شنیع اعدامها در ایران همچنان ادامه دارد. در طول این هفته در قم سه نفر افغانی، در خرم آباد چهار نفر، در مریوان دو نفر و هم اکنون در مشهد بیش از ۱۲ نفر دیگر در لیست اعدام قرار دارند که قرار است رژیم کشتار و جنایت چند روز دیگر آنان را نیز اعدام کند. عده ای که خود جزو قاتلان سابقه دارند، پرونده اعدام بیش از صد هزار فعال سیاسی را زیر بغل دارند، آدمکشانی که بیش از دو دهه است کارشان قتل عمد انسانهای این جامعه است، برمسند قضاوت نشسته اند. کسانی که خود متهم اند و هزاران شاکی

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بساط اعدام را در هم شکنیم

میکنند و شاهزاده خانم هایشان حتی حاضرند در راه منافع اقتصادی سرمایه داران این دولتها اگر لازم شود، مقنعه نیز سرشان کنند. اینها فعلا گفتگوهای "تمریش" خود را با جمهوری اسلامی بخاطر پاره ای مسائل "سیاسی" به عقب انداخته اند تا در وقت مناسبت تری که فشار افکار عمومی رویشان نباشد و موقتا نیز از تعداد اعدامها کاسته شده باشد، دوباره مذاکرات اقتصادی خود را از سر گیرند. از نظر این دولتها و میدیای جیره خوار آنان، حق و حقوق انسان جهانشمول و عام نیست، نسبی است، فرهنگی است. در کشورهای اینها لغو اعدام را میتوان بعنوان یک دستاورد بشر متمدن در مقابل انتقامجویی کور و قتل عمد بحساب آورد، اما در مورد مردمان درجه دومی مانند ایران میتوانند با اغماض و بخاطر پاره ای مسائل "فرهنگی" اما در حقیقت بخاطر حفظ منافع زمینی خود از کنار آن رد شوند و برای راضی نگهداشتن قاتل طرف معامله اشان حتی اخبار مربوط به آن را در میدیای خود نیز منعکس نکنند. این قبیل از هر چیز لگه ننگی است بر پیشانی اینها و بر پیشانی نظام گندیده سرمایه داری در اوایل قرن بیست و یکم که خود دست کمی از بربریت اسلامی ندارد. اینها زیر بغل جمهوری اسلامی را گرفته اند تا از فروپاشی سریع توحشی که خود در سرکار آوردن آن دخیل بودند توسط انقلاب مردمی که بی شک با پائین کشیدن جمهوری جنایت و کشتار موج عظیمی از آزادیخواهی و سکولاریسم را در منطقه و حتی جهان راه خواهد انداخت، جلوگیری کنند و بتدریج سناریوی مورد نظر خود را که قبیچی کردن حرکت انقلابی مردم است به پیش برند. مردم انقلابی و سرنوینی طلب ایران هرگز مماشات دولتهای اتحادیه اروپا و میدیای نان به نرخ روز خور آنان را با قاتلان و جنایتکاران جمهوری اسلامی فراموش نخواهند کرد.

راه انداختن بساط شنیع قتل عمد در ایران نه از روی قدرت که نشانگر استیصال جمهوری

اسلامی است. این اعدامها برای مرعوب کردن و به عقب راندن توده میلیونی مردمی است که برای درهم کوبیدن بساط توحش اسلامی خود را آماده کرده اند. روش همیشگی جمهوری اسلامی است برای رسیدن به نقطه تعادلی در مقابله با این مردم که نشان داده اند دست از سرنوینی جمهوری اسلامی بر نمیدارند. این اعدامها مستقیما علیه مردم سرنوینی طلب و منزجر از جمهوری اسلامی است و برای به عقب راندن ما از پائین کشیدن جمهوری اسلامی راه انداخته شده اند. هدف مستقیم آن مردم سرنوینی طلب و معترض به حکومت اسلامی است، باید علیه آن اعتراض کرد، باید خواهان متوقف کردن فوری اعدامها شد و باید مردم لغو اعدام را به یکی از شعارهای خود در مبارزه علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنند. مسبب همه فجایع، مصائب، بدبختی ها، فساد، ارتشاء، تن فروشی، اعتیاد، نا امنی، دزدی و فقر و فلاکت و بیکاری، حکومت اسلامی سرمایه و سران جنایتکار این نظامند. اینها قاتلان مردم ایرانند، باید توسط مردم سرنوینی طلب به بساط جنایت و کشتار و توحش اسلامی آنان خاتمه داده شود. سران جنایتکار آن باید دستگیر شده و در دادگاههای مردم محاکمه و مجازات شوند. هر روز سر کار ماندن این رژیم به قیمت تحمیل فجایع و مصائب و بدبختی های بیشتری که مردم شاهد آنند، تمام خواهد شد. هر لحظه زودتر خلاص شدن از دست جمهوری اسلامی یعنی کاهش فجایع و مصائب ناشی از این نظام. زوزه مرگ کشیدن و چنگال خونین نشان دادن نشانه استیصال جمهوری است، نه قدرت او. حکومت اسلامی در وضعیت بسیار شکننده ای قرار دارد و با اولین تعرض عمومی این مردم سرعت به زانو در میاید. علیه این اعدامها و برای درهم شکستن بساط جمهوری اسلامی اعدام و کشتار بپاییزیم.

۸ نوامبر ۲۰۰۲

تور سخنرانی رحمان حسین زاده و عبدالله دارابی در چهار شهر اروپا

سخنرانی رحمان حسین زاده و عبدالله دارابی از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران تحت عنوان حزب کمونیست کارگری و تحولات سیاسی در کردستان، در نروژ، آلمان و هلند (شهرهای اسلو، کلن، لاهه و کاسل) با استقبالی گرم شرکت کنندگان برگزار شد.

ابتدا سخنرانی عبدالله دارابی "در مریوان چه گفت" که در آن عبدالله دارابی از حضور سیاسی خود و همراهان و نحوه برپایی سخنرانی در اجتماع مردم شهر مریوان و همچنین در مورد اوضاع سیاسی و موقعیت ویژه مبارزات مردم در کردستان

و تاثیرات کمونیسم کارگری در کردستان تصویر روشنی ارائه داد.

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان در مورد تحولات کنونی و نقش احزاب سیاسی در کردستان، اهدافی که حزب دمکرات تعقیب میکند و موضوع مذاکره این حزب و جمهوری اسلامی، و سپس در مورد سیاست و اهداف حزب کمونیست کارگری در کردستان صحبت کرد.

جلسات سخنرانی با پرسش و پاسخ در ارتباط با راه حل کمونیسم کارگری برای حل مساله کرد، پروژه های حزب در کردستان برای اعمال

حاکمیت کمونیستها و شوراهای مردم، موقعیت حزب کمونیست کارگری در کردستان و سیر قابل پیش بینی تقابل سیاسی و اجتماعی دو جنبش ناسیونالیستی و کمونیستی در مقابل هم و نقش حزب دمکرات کردستان ایران و حزب کمونیست کارگری ایران، به عنوان نمایندگان سر راست هر کدام از این جنبشها ادامه پیدا کرد.

شرکت کنندگان در جلسات پس از سخنرانی ها به کمیته کردستان جهت پیشبرد پروژه ها و فعالیتهايش کمکهای مالی قابل توجهی کردند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۶ نوامبر ۲۰۰۲

چند خبر

مهاباد:

بن کارگری بخشی از کارگران مهاباد قرار است قطع شود!

چند روز پیش اداره کار و امور اجتماعی رژیم در شهر مهاباد به کارگران شهرداری، کشت و صنعت و کشتارگاه این شهر اعلام کرده است که از این به بعد بن کارگری شامل آنها نخواهد شد. اعلام این خبر در میان کارگران باعث موجی از تنفر علیه رژیم شده است.

بوکان:

در اثر تیراندازی نیروهای رژیم یک نفر کشته و یک نفر زخمی شدند!

روز چهارشنبه ۱۵ آبان ۱۳۸۱ (۶ نوامبر ۲۰۰۲) ساعت حدود ۹ شب در

خیابان ۵۵ متری در محله مجبور آباد بوکان، مزدوران اطلاعاتی و انتظامی رژیم به ۲ نفر موتور سوار تیراندازی کرده که در نتیجه یک نفر از آنان کشته شده است. در مورد نفر دوم خبر این است که زخمی شده و توسط نیروهای رژیم دستگیر شده است. ضمنا اخبار دیگری نیز مبنی بر اینکه نفر دوم بدنبال زخمی شدن موفق به فرار شده است موجود است.

چنور خدایار خودسوزی کرد

روز شنبه ۴ آبان ۱۳۸۱ (۲۶ اکتبر ۲۰۰۲) دختری جوان به نام چنور خدایار، بدنبال اینکه مدتها پسری را دوست داشت و سرانجام رابطه او با دوست

پسرش از طرف خانواده و بستگان کشف شد، بدلیل فشارهای مردسالارانه و ارتجاعی خانواده و اطرافیان دست به خودسوزی زد. متاسفانه چنور در این ماجرای غمگین جان خود را از دست داده است. ما همینجا ضمن تاسف عمیق خود از این جریان به عزیزان و دوستانش تسلیت میگوییم.

مریوان:

حدود ۱۰ روز پیش در مرز باشماخ مریوان نیروهای انتظامی به یک نفر راننده تویوتا که گویا "غیر قانونی" برنج حمل کرده تیراندازی کرده و در اثر این تیراندازی راننده ماشین به اسم محمد صالح باشماخی هر دو پایش از ناحیه ران شکسته شده و تا دریافت این خبر در بیمارستان سنندج بستری بوده است.

www.m-hekmat.com

از سایت بنیاد منصور حکمت دیدن کنید!

محمد آسنگران:

مردم کردستان اینها را میشناسند

تقلای تعدادی از همکاران رژیم در رابطه با کردستان و مسئله کرد در منطقه، باعث مزاح فراوانی شده است. از جمله اقدامات اینها امضا طوماری از طرف مثلاً روشنفکران وابسته به انستیتوی کرد در دفاع از تشکیل "پارلمان مشترک" در کردستان عراق، نامه نمایندگان کرد مجلس به اتحادیه اروپا در اعلام خطر کردن برای دخالت ترکیه در کردستان عراق و بالاخره تقاضای این نمایندگان برای رفتن به کردستان عراق و شرکت در "پارلمان مشترک" احزاب حاکم در کردستان عراق است، که البته با مخالفت جمهوری اسلامی روبرو شد و اینها مجبور شدند فوراً حرفشان را پس بگیرند. چیزی که اینها و احزاب ناسیونالیست کرد آن را "پارلمان مشترک" یا "پارلمان کردهای عراق" اسم میگذارند، موجودی است که در سایه سیاست آمریکا و در راستای اهداف سیاسی و جنگیش درست شده است. هیچ انسان جدی و شرافتمندی یافت نمیشود که این دلقک بازیها و نوکر صفتیها را در جهت منافع مردم کردستان بداند. اما نقش و جایگاه این دارودسته رژیم اسلامی فراتر از این است. اینها مزدوران جمهوری اسلامی هستند، که اخیراً هماهنگ با احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق میخواهند جمهوری

اسلامی را دوست و دلسوز مردم کردستان نشان دهند. نا گفته نماند که این اقدامات مزورانه قند در دل بعضی از جریانات ناسیونالیست کرد کردستان ایران از جمله حزب دمکرات را هم آب کرده است. و آنها را به صرافت "مذاکره" و بند و بست انداخته است. در دو دهه گذشته این نمایندگان مجلس و کارگزاران فرهنگی رژیم مستقیماً در سرکوب مردم کردستان نقش داشته اند. مردم بهالدین ادب، جلالی زاده، رمضان زاده، و بهرام ولدبیگی و ... را خوب میشناسند. اینها کسانی هستند که مستقیماً در سرکوب مردم کردستان نقش غیر قابل انکاری ایفا کرده اند. امروز همینها با مشاهده پتانسیل انقلابی موجود در کردستان و نقش برجسته کمونیستها در جامعه کردستان به هراس افتاده اند. سعی میکنند نقش خود را در مهار کردن این اعتراضات به رخ مقامات رژیم بکشند. در بلبشوی اوضاع در کردستان عراق و حاکمیت احزاب ناسیونالیست سر به جمهوری اسلامی ایران هم اینها میخواهند جایگاهی برای حکومت اسلامیشان جستجو کنند.

اما یک چیز برای این جنابان از همه واضح تر است و آن اینست که حنای رژیم اسلامی در کردستان هیچگاه رنگ نداشته و هر کس سر به این آبشخور کرده، بی آبرو و مورد

نفرت عمومی بوده است.

این واقعیت که مردم کردستان از همان اوایل سرکار آمدن جمهوری اسلامی تا کنون هیچ توهمی به این رژیم نداشته اند بر کسی پوشیده نیست. از این هم عیانتر این است که مردم کردستان طی ۲۴ سال گذشته در مبارزه و جنگ با این رژیم بسر برده اند. مبارزه و جنگی که از نوروز خونین سنندج ۵۸ و ۲۸ مرداد همان سال به فرمان خمینی شروع شد و تا کنون ادامه دارد. در جنگ جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان همین نمایندگان کرد مجلس شورای اسلامی از جلالی زاده و ادب گرفته تا رمضان زاده و بهرام ولدبیگی همکار فرهنگی رفسنجانی و دیگر همکاران جمهوری اسلامی در کردستان در صف قاتلین مردم کردستان تشریف داشتند. همه این "سیاستمداران و روشنفکران" امروزی که اسلحه هایشان را مثل جلایی پور پنهان کرده و دست خون آلودشان را شسته اند، مایلند که سابقه قاتل بودنشان از نظر مردم به فراموشی سپرده شود. اما در عین حال فراموش نمیکنند که خدماتشان را در سرکوب مردم کردستان، مکرراً به سران رژیم متذکر شوند.

حقیقت این است که جمهوری اسلامی بعد از لشکر کشی به کردستان و قتل عام مردم توانست به زور اسلحه و پاسدار و مزدوران محلی اش و در حمایت همین آقایان خود را به مردم تحمیل کند. اینها

جزو پیکره جمهوری اسلامی و قاتلینی هستند که باید جوابگوی قتلهای گشته و فریبکاریهای امروزشان باشند.

حال سوال این است که این مهره های شناخته شده رژیم در کردستان چرا به صرافت این افتاده اند که خود را تطهیر کنند و پز صاحب نظر و ژورنالیست به خود بگیرند؟ جواب این سوال ساده است. بسیاری از همکاران اطلاعاتی و سپاهی رژیم در سطح سراسری هم به این موقعیت خزیده اند. حتی بعضی از آنها سروکارشان به زندانها و دادگاههای خودساخته کشیده شده است. این نشان از وخامت موقعیت کمزونی جمهوری اسلامی دارد. همین موقعیت کمزوری رژیم است که تعدادی از آنها را نگران و وادار کرده است که زبان به انتقاد بکشیند.

اما همکاران و عوامل کرد زبان جمهوری اسلامی در کردستان در عین حال میکوشند که همزمان با انتقاد از جناح رقیب حساسیت جامعه کردستان را هم به عنوان یک کارت برنده به آنها متذکر شوند.

سیاست قهر کردن و تهدید به استعفا از مجلس، که نتیجه آن گماردن چند نفرشان به پستهای بالاتر بود، پز دلسوزی برای مردم کرد در کردستان عراق، و ترکیه و سکوت رضایت مندانه در مورد کردستان ایران، همگی در خدمت یک سیاست میباشند. هدف از این قایم موشک بازیها این است که از یک طرف جمهوری اسلامی را دلسوز مردم کردستان در کشورهای همسایه قلمداد کند، و از طرف دیگر وانمود کنند

که آنها نمایندگان مردم کردستان در حکومت اسلامی هستند و به این ترتیب مردم کردستان ایران با جمهوری اسلامی مشکلی ندارند. و برای رسیدن به این هدف البته از همراهی احزاب ناسیونالیست کرد باید متشکر باشند. که تحمیل فرهنگی این جریان حکومتی را رشد جریان روشنفکری کرد نام نهاد، و بند و بستشان را با احزاب ناسیونالیست کرد عراق را رابطه فرهنگی دو بخش کردستان معرفی کرد. البته جمهوری اسلامی به پاس این خدمات به مبتکرین این دکتترین جایگاه و مقام بیشتری در جمهوری اسلامی اعطا کرده است و تعدادی از آنها را ارتقاء مقام داده است.

با این اوصاف مردم کردستان در مبارزه علیه جمهوری اسلامی توانسته اند موفقیتهای قابل توجهی بدست آورند. توازن قوا روز به روز دارد به نفع مردم و جبهه آزادیخواهی تغییر میکند. جمهوری اسلامی برای مقابله با مردم آزادیخواه، به دستگیری و شکنجه و اعدام که سیاست همیشگی او بوده است وسعت بیشتری بخشیده است. اما مردم به این رژیم و همه دارو دسته های کرد و غیر کرد آن مجال نمیدهند. دور نیست آن روزی که کل این دم و دستگاه را از کردستان جارو کنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

یازدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری را گرامی بداریم!

حکمت در میان ما نیست. ما با اندوه از دست دادن او که کاهش نیافتنی است، و با غرور و افتخار مبارزه در صفوف حزب او، یازدهمین سالگرد حزب را در ایران و سراسر جهان بزرگ می‌داریم.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ آبان ۸۱،
۴ نوامبر ۲۰۰۲

میگشت و انسانیت و آزادیخواهی در صحنه سیاست امروز ایران نمایندگی نمیشد. امروز کارگران و زنان و جوانان و توده مردم شریفی که برای خلاصی از نکتب جمهوری اسلامی روزشماری میکنند، نماینده و رهبر خود را در این حزب مییابند.

به حزب کمونیسم کارگری ایران پیوندید!

امسال در سالگرد حزب، منصور

اکثریت عظیم جامعه است. این حزب سرنگونی جمهوری اسلامی است، حزب آزادی و برابری است، حزب جارو کردن مذهب از جامعه است، حزب رهایی زنان است، حزب مبارزه علیه سنگسار و آپارتاید جنسی است، حزب اول کودکان است، حزب یک دنیای بهتر است. این حزب منصور حکمت است! بدون این حزب سیاست ایران به عرصه کشاکش نیروهای ارتجاعی، در حکومت و در اپوزیسیون آن، تبدیل

پس از یازده سال مبارزه بیوقفه و همه جانبه، حزب منصور حکمت در جهانی که در منگنه تروریسم دولتی ناتو و تروریسم اسلامی گرفتار آمده، فریاد اعتراض بشریت آزادیخواه عصر ما را نمایندگی میکند. این حزب امید و نوید سوسیالیسم در دنیای سیاه سرمایه داری معاصر است.

امروز در عرصه سیاست ایران کمونیسم و چپ با حزب کمونیسم کارگری تداعی میشود. این حزب

یازده سال قبل، در ۳۰ نوامبر ۱۹۹۱، منصور حکمت حزب کمونیست کارگری ایران را پایه گذاشت. حزبی که در برابر ارتجاع افسار گسیخته جهانی در دنیای پس از جنگ سرد و در اوج هزیمت کمونیسم های دروغین غیرکارگری، پرچم کمونیسم رادیکال، انسانی و رهاییبخش مارکس را برافراشت، و نبرد بی امانی را علیه ارتجاع افسارگسیخته سرمایه داری بازار آزاد و ارتجاع قرون وسطایی اسلام سیاسی، آغاز کرد. امروز

صالح سرداری:

با اعدام نمی توان جلو مبارزه عظیم ضد مذهبی را گرفت.



شرکت کردند مصطفی پارسا و محمد صالح مرادی ۴ ماه قبل به جرم مبارزه علیه جمهوری اسلامی و مهب دستگیر و زندانی شده بودند. اذعان رژیم به مبارزه ضد مذهبی این دو انسان، حکایت از یک نفرت عظیم مردم و بخصوص نسل جوان ایران از مهب و قوانین آن را بخوبی نشان می دهد. قبلا هم در شهرهای مختلف، مردم ایران نفرت خود را از ، نهادها و مراکز و قوانین اسلامی رژیم نشان داده بودند. قوانین و سنت های کهنه پرستانه ای که رژیم با به اجرا در آوردن احکام ضد انسانی، که بیش از بیست سال است زندگی مردم ایران را به تباهی کشانده است.

دار زدن این دو نفر در ادامه زنجیره اعدام های یک ماه اخیر است که سرکوبگران رژیم در شهرهای مختلف، برای مقابله با اعتراضات هر روزه مردم و ایجاد فضای رعب و وحشت، به آن دست می زنند. رژیم فکر می کند ویا شاید امیدوار است با اجرای چنین جنایاتی برای بقای عمر نکتب خود وقت بخرد. اما مردم دیگر تصمیم خود را برای سرنگون کردن و زیر و رو کردن این رژیم گرفته اند.

ساعت ۵ صبح سحرگاه دیروز چهارشنبه ۱۵ آبان جنایتکاران اسلامی قبل از اینکه مردم شهر مریوان طبق روال عادی کار و زندگی را از سر بگیرند، جنایت تازه ای آفریدند. این نمایندگان جهل و سرمایه بدور از چشم عزیزان و بستگان و مردم شهر مریوان با دار زدن دو انسان و فقط با حضور تعدادی ملای مرتجع متحجر مدافع بربریت اسلام هزار و پانصد سال قبل و درست به همان شیوه حق حیات را از آنها گرفتند. مصطفی پارسا ۴۰ ساله مشهور به مصطفی جولا، در حالیکه فرزندانش هنوز منتظر بازگشت پدرشان بودند به همراه محمد صالح مرادی جوان ۲۰ ساله ای که هزاران رویا برای زندگی در سر داشت در زندان شهر مریوان بر سر چوبه دار رفتند و جمهوری اسلامی برگ دیگری به حاکمیت سراپا جنایتش اضافه کرد.

جنایتکاران اسلامی، برای اجرای این حکم ضد انسانی عده ای از ملاهای مرتجع را در زندان نیروهای انتظامی جمع کرده بودند. امام جمعه مزدور مریوان و ملا عثمان از بنیاد شهید حلقه طناب اعدام را به دور کردن این دو قربانی انداختند و بدینوسیله مستقیما در این عمل شنیع

پارسا و محمد صالح مرادی به هر نوعی که مقدور است به مبارزه برخیزید. امام جمعه مزدور وملا عثمان مستقیما قاتل این دو نفر هستند کاری کنید که اینها جرات آفتابی شدن در ملا عام نداشته باشند باید بخاطر جنایت شان کاری کرد که تنها در میان نیروهای مزدور زندگی کنند با این اقدام شان دیگر باید تنها مقرات و قرارگاههای نظامی رژیم محل "امن" آنها باشد. نباید دست روی دست گاشت و اجازه داد که انسان ها را اینچنین به چوبه دار آویزان کنند. این جانیان باید به سزای اعمالشان برسند.

احمد صالح پارسا و محمد صالح مرادی را به بستگان و نزدیکان آنها صمیمانه تسلیت می گویم و از همه مردم شهر مریوان و دیگر شهرهای کردستان می خواهم که مراسم یادبود و بزرگداشت این قربانیان را به محلی برای اعتراض و مبارزه بر علیه رژیم تبدیل کنند. امام جمعه مریوان و ملا عثمان و دیگر مرتجعین منطقه باید بدانند که در فردای سرنگونی رژیم برای جنایاتی که در حق به مردم مرتکب شده اند، محاکمه و مجازات خواهند شد. این را نیروی مردم آزادیخواه و حزب کمونیست کارگری ایران تضمین می کند.

□

جمهوری اسلامی، که در اوج قدرتش و با اعمال فشار و سرکوب و اعدام و اختناق نتوانست مردم را از مبارزه باز دارد، قطعا با گیر آوردن چند زندانی اسیر در شکنجه گاههایش نمی تواند کاری از پیش ببرد. این دوره گراست. در شرایطی که جنبش سرنگونی در حالت تعرضی قرار دارد و مردم بخصوص نسل جوان جسور تر از هر دوره ای به مبارزه اعتراضی روی آورده و می خواهند جمهوری اسلامی سر به تنش نباشد، این تقلا بیپهوده است. این نقطه قوت رژیم نیست نقطه ضعف وی می باشد. مبارزات اقشار مردم هم اکنون باعث شکاف و چند دستگی در میان حکومتگران مستبد شده، و جناح های مختلف رژیم در مقابل هم قرار داده بطوریکه درمانده و زیون شده و صفوف شان از هم گسیخته است. دیگر قادر به سرکوب جنبش عظیم سرنگونی طلبی نیستند مردم مبارز شهر مریوان در اعتراض به اعدام مصطفی

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

یک دنیای بهتر،
برنامه حزب
گمونیست کارگری
را بخوانید!

کمیته کردستان

دبیر کمیته:

رحمان حسین زاده

Email:

r_hoseinzadeh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

مسئول دبیرخانه:

محمد آسنگران

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

Email:

asangaran@aol.com

www.wpiran.org

از سایت حزب در اینترنت دیدن کنید!